پی آمدهای قضایی کاپیتولاسیون

طیبی، سید محمد

\*مقدمه

در تاریخ اسلام اقلیت‏های دینی تحت فرمان‏روایی حکومت‏های‏ مسلمان-از جمله عیسویان-متمایل بودند تا مبتنی بر قوانین و مقررات دینی خود به فیصله‏ی اختلافات درون جمعیتی و قومیتی‏ اقدام نمایند.دین مبین اسلام بر مبنای قاعده‏ی«الزموهم بما الزموا» (ملتزم کنید آن‏ها را به قواعد و مقررات مورد التزام خودشان)،حل و فصل امور آن‏ها را منطبق بر قوانین و مقررات دینی و داخلی خودشان‏ به رسمیت شناخته بود.1با روی آوردن ممالک مسیحی به استعمار و ایجاد ضعف و عقب‏ماندگی در کشورهای اسلامی این ارفاق با تغییرات‏ و اشکالی نوین تبدیل به حربه و ابزار خطرناکی در دست آنان شد،و منجر به انواع و اقسام دخالت‏های ناروا در درون ممالک یاد شده‏ گردید.

به دنبال شکست ایران در جنگ‏های ایران و روس و تحمیل‏ قرارداد ترکمن‏چای در سال 1243.ق./1828 م.طی مفاد و فصول‏ هفتم و هشتم آن زمینه و رخنه‏ی دخالت قضایی استعمارگران با پیش گامی روسیه در ایران آغاز گردید.در فصل هفتم تصریح شده بود که اگر میان اتباع روس ساکن ایران در امور مدنی اختلافی رخ دهد بر طبق قوانین امپراتوری روسیه رسیدگی شود؛اما چنان‏چه میان اتباع‏ روس و ایرانیان منازعه و اختلافی صورت گیرد،پرونده به محاکم شرع‏ یا عرف احاله می‏شود،به شرط آن‏که محاکمه با حضور نماینده یا نمایندگان دولت روسیه انجام پذیرد.2در مفاد فصل یاد شده به‏ صراحت دخالت و حضور نمایندگان و کنسول‏های دولت روس در دعاوی مدنی ایران پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.در فصل‏ هشتم آمده است که:اگر اتباع روسیه مرتکب جرم و جنایتی نسبت به‏ اتباع ایران شوند،تا اثبات جرم به هیچ‏وجه قابل تعقیب و یا اذیت‏ نیستند،هم‏چنین حکام و محاکم ایران تا زمان حضور نمایندگان دولت‏ روس در محکمه حق محاکمه‏ی آن‏ها را ندارند.در نهایت چنان‏چه‏ جرم ثابت گردید،مجرم به وکیل یا کنسول تحویل خواهد شد،تا جهت‏ مجازات برطبق قوانین روسیه به آن کشور فرستاده شود.3فصل یادشده،استقلال و صلاحیت قضایی ایران را به هنگام رسیدگی به امور جزایی به‏طور کامل از بین برد و اختیار اجرای کیفرهای تعیین شده را به طور مطلق و انحصاری به مقامات روسی واگذار کرد.بدین ترتیب‏ چنان‏چه یک تبه‏کار روس در روز روشن یکی از رجال ایران را به قتل‏ می‏رساند و محکوم به اعدام می‏شد،دولت ایران حق اجرای کیفر قانونی نداشت؛جنایت‏کار را به مقامات روسی تحویل می‏دادند،و آنان‏ شخص محکوم را به ظاهر جهت اجرای حکم به روسیه اعزام‏ می‏کردند.از آن‏جا که بسیاری از جنایات با زمینه‏سازی و اشاره‏ی‏ کارگزاران روسی انجام می‏گرفت انتظار مجازات محکوم یا محکومان‏ انتظاری بیهوده و مضحک تلقی می‏شد.به‏طور مثال دو نفر گرجی‏ تبعه‏ی روس مرتضی قلی خان هدایت(صنیع الدوله)وزیر مالیه و دارایی کابینه‏ی مستوفی الممالک را در بهمن ماه سال 1289.ق/ 1872.م.در چهار راه مخبر الدوله به تحریک سفارت روسیه به قتل‏ رساندند.روس‏ها قاتلان را پس از محکومیت از دولت ایران تحویل‏ گرفته و با انتقال به روسیه در آن‏جا آزادشان کردند.4

متعاقب تحمیل کاپیتولاسیون توسط روس‏ها و بر مبنای اصل و قاعده‏ی دول کاملة الوداد اتباع کشورهای استعمارگر غربی و دارای‏ مراوده و نفوذ نیز مشمول همان معیار تعیین شده‏ی حقوقی روس‏ها در امور مدنی و جزائی ایران شدند.5با عطف به قواعد وضع شده و تحمیلی استعمارگران و ضعف مفرط حاکمیت استبدادی قاجار زیان‏ها و صدمات جبران‏ناپذیری بر هویت ملی،جامعه و مردم ایران وارد گردید.در ادامه‏ی نوشتار جداگانه به پاره‏ای از کارکردها و اقدام‏های‏ کارگزاران و پایگاه‏های استعماری و برخی افراد و جریان‏های‏ فرصت‏طلب داخلی اشاره می‏نماییم.

الف-اقدام‏های فرصت‏طلبانه‏ی کارگزاران استعمار

کارگزاران استعمار و پایگاه‏های آنان در سنگر و پناه کاپیتولاسیون‏ با اغتنام فرصت و موقعیت در عرصه‏های مختلف نهایت استفاده را در راستای مطامع خود تحصیل کردند.پاره‏یی از کارکردهای منعکس‏ شده‏ی آنان در منابع و ماخذ به شرح زیر است.

1-به بهانه‏ی نابه‏جای حمایت از اتباع خود استقلال قضایی کشور را به‏طور کامل نادیده انگاشته و انواع دخالت‏ها را مجاز پنداشتند. نتیجه‏ی محسوس و ملموس این سیاست ایجاد هرج‏ومرج،آشفتگی‏ و عدم توسعه‏ی قضایی در کشور بود.به تعبیر مرحوم محیط طباطبایی‏ «...این آشفتگی وضع قضایی در مدت یک‏صد سال بزرگ‏ترین سد راه تحول اوضاع حقوقی و اصلاح قوانین کشوری بود؛چون دنباله‏ی‏ هر اصلاح لازمی ناگزیر خط مسیر حرکت فکری به مصالح بیگانه‏ای‏ بر می‏خورد،و پیش‏بینی حدود و تأمین آن به شکلی که با مصالح ملی‏ و بهبود وضع داخلی و تأمین منافع خارجی هم سازگار باشد میسر نبود».6

2-دارندگان حق قضاوت کنسولی بخش عمده‏ی محاکمات را منطبق بر امیال،مصالح و منافع کشور،اتباع و مزدوران خود فیصله‏ می‏دادند.به عنوان مثال:«کنسول‏های روسیه‏ی تجاری به موجب‏ حقوقی که به دست آورده بودند،نه‏تنها در موارد خاص خود حق‏ قضاوت را در یک مملکت به ظاهر مستقل غصب کرده بودند،بلکه در مواردی هم که فقط اشاره به لزوم حضور آنان در محاکمات شده بود، برخلاف مواد عهدنامه عملا از حدود خود تجاوز می‏کردند؛و با ایجاد نوعی حق و تو در اخذ تصمیم و تصویب و نیز در اجرای حکم،طبیعت‏ و نتیجه‏ی احکام قضایی را مطابق مصالح و امیال خود تغییر می‏دادند...»7محقق دیگری در همین راستا می‏نویسد:«سعی بر این‏ ولی به علت ضعف و حقارت غالب کارگزاران‏[نمایندگان وزارت‏ خارجه‏ی ایران‏]و نبود قانونی منظم و مدون از طرف مراجع ایرانی،در اکثر موارد کنسول‏های خارجی‏[به لحاظ اقتدار و پشتوانه‏ی خارجی‏] تصمیم نهایی را می‏گرفتند.8

3-ترور،قتل و یا اصرار بر عزل مخالفان سیاسی از دیگر اقدام‏ها بود.مصداق بارز و آشکار در این مورد فرمان ترور و قتل یکی از رجال‏ و مقامات بلند پایه‏ی حکومتی ایران(صنیع الدوله)بود که پیش از این‏ به چه‏گونگی آن اشاره کردیم.ادوارد براون درباره‏ی ترور شخص یاد شده و پی‏آمدهای آن‏چنین توضیح می‏دهد:

«وزیر مالیه‏ی ایران(صنیع الدوله)به دست دو تن گرجی از اتباع‏ روسیه ترور شد.آن‏ها در موقع تعقیب چهار پاسبان دیگر را هم‏ مجروح کردند؛تا این که دستگیر و جهت محاکمه به اداره‏ی محاکمات‏ وزارت خارجه فرستاده و محکوم به اعدام شدند.ولی سفارت روس‏ تحت این عنوان که تبعه‏ی روسیه هستند و به موجب مقررات‏ کاپیتولاسیون می‏باید در روسیه مجازات شوند آن‏ها را تحویل گرفته‏ و به روسیه اعزام کرد.تنها کاری که وزیر خارجه‏ی ایران توانست‏ انجام دهد این بود که به همراه قاتلان یک نامه‏ی اعتراض‏آمیز به‏ سفارت روسیه بفرستد»9

4-عمّال استعمار و کسانی که مسئولیت قضاوت کنسولی را در ایران برعهده داشتند،به‏طور عمده مأمورین درجه سوم و از تجار و مستخدمانی بودند که تعلیم و تربیت قضایی خاص و آشنایی کافی به‏ علم قضا را نداشتند.10لذا زور،سلطه،قدرت اجرا و حفظ منافع ازعوامل مهم مبنای صدور رأی و تصمیمات قضایی آنان محسوب‏ می‏گردید.

5-جسارت و گستاخی اتباع خارجی-بویژه روس‏ها-در آزار و اذیت مردم و بی‏اعتنایی کامل به نظارت و دخالت مسئولان امنیتی و انتظامی از موارد دیگر بود.چنان‏چه برخی حکام و یا صدراعظم‏ها، همانند امیر کبیر-نسبت به تنبیه و مجازات متخلفان و متجاوزین به‏ حقوق عمومی اقدام می‏کردند مورد اعتراض شدید سفارت‏خانه یا کنسول‏گری‏های که تنبیه شونده در زمره‏ی اتباع آن‏ها بود قرار می‏گرفتند.به عنوان مثال فردی ارمنی از گماشتگان و عمله‏ی‏ کنسول‏گری روس در تبریز در حال مستی به روی سرگزمه‏ی شهر تبریز قمه کشید؛حاکم آذربایجان بی‏درنگ او را تنبهی کرد.کنسول‏ روس با اشاره به عهدنامه‏ی ترکمنچای،و کنسول انگلیس به ادعالی‏ سرپرستی ارامنه‏ی ایران به مجازات شخص یاد شده اعتراض‏ کردند.11

6-تشکیل گارد مسلح و محافظ توسط سفارت‏خانه‏ها و کنسول‏گری‏های کشورهای استعمارگر-از جمله روس و انگلیس-از میان اتباع و هم‏وطنان خود،کثرت روزافزون آن‏ها،بی‏اعتنایی کامل‏ به نیروهای مسلح ایرانی و وظیفه‏ی آن‏ها در ایجاد امنیت از اقدام‏های‏ قابل بحث دیگر است.به عنوان نمونه روس‏ها به ظاهر برای محافظت‏ از مقامات،سفارت‏خانه و کنسول‏گری‏ها سالدات‏ها(سربازهای‏ مسلح)،و انگلیسیان نیروهای مسلح هندی در اختیار داشتند.مقامات‏ کشورهای یاد شده هنگام حضور در مجامع عمومی جهت ایجاد ارعاب،اظهار اقتدار،هیمنه و مانور قریب سی تا چهل نفر مسلح و ملبس به اونیفورم را با خود به همراه می‏بردند.12

ب-اقدام‏های فرصت‏طلبان و مجرمان داخلی

گرچه عدم یک سیستم و تشکیلات قضایی قانونمند و عادلانه، استبداد و خودسری حکومتگران،ضعف و حقارت حکومت و مجریان‏ در اعمال قدرت،نبود امنیت جانی و مالی از عوامل تمایل برخی‏ دادخواهان و یا خائفین از مجازات‏ها و مصادرهای ناعادلانه به دریافت‏ تابعیت و درآمدن تحت بیرق سفارت‏خانه‏ها و کنسول‏گری‏های‏ کشورهای استعماری بود؛لیکن در بسیاری موارد مجرمان،متخلفان، جاه‏طلبان و سیاستگران فرصت‏طلب،اخلال‏گران و فراریان از پرداخت‏ مالیات از جایگاه مقامات استعماری و پایگاه‏های آن‏ها در جهت حفظ موقعیت،بیمه و مصون نگه‏داشتن خود استفاده می‏کردند.در ادامه‏ی‏ بحث به موارد و مصداق‏هایی از آن‏ها به شرح زیر اشاره می‏شود:

1-بسیاری از کارگزاران حکومتی ایران جهت معافیت و مصون‏ ماندن از مجازات رایج و معمول-چوب و فلک-توسط مقامات بالاتر، به انحاء مختلف درصدد دریافت نشان افتخار از یکی از کشورهای‏ صاحب نفوذ خارجی بر می‏آمدند.به عنوان مثال کسانی که دارای نشان‏ افتخار لژیون دونر فرانسه بودند از مجازات ذکر شده مصونیت پیدا می‏کردند.13

2-متجاوزین به حقوق عمومی و مردم جهت رهایی از دست‏ شاکیان،دادخواهان و مجازات‏های صادره.14

3-مستخدمین و عمله‏ی ایرانی سفارت‏خانه‏های خارجی و حتا منسوبین آن‏ها در صورت آزار و ایذاء مردم خود را از مجازات مبرا می‏دانستند؛و معمولا مأموران امنیتی نیز نسبت به تخلفات روزمره‏ آن‏ها به دیده‏ی اغماض می‏نگریستند.15

4-دریافت ورقه‏ی تابعیت اجنبی از سوی برخی تجار،زمین‏داران‏ و ثروتمندان به منظور بیمه کردن دارایی و املاک از موارد دیگر بود.تا آن‏جا که حتا داماد فتحعلی شاه(حاجی میرزا عبد الکریم)با وجود اقامت چهل ساله در ایران و دارا بودن اموال غیرمنقول خود را تحت‏ تابعیت دولت انگلیس قرار داد.16کسروی پیرامون سوءاستفاده برخی‏ ایرانیان از عنوان تابعیت دولت روس می‏نویسد:

«...کسانی از بستگان ایران را نیز که به آنان‏[روسیان‏] می‏گراییند و درخواست پشتیبانی و نگه‏دارای می‏کردند،زیر نگه‏داری‏ (تحت‏الحمایه)می‏گرفتند،و مالیات ایشان را هم کنسول‏خانه‏ می‏ستد.اینان خود را به کنسول‏خانه می‏بستند و زورمند می‏شدند و به همسایگان و دیگران چیرگی می‏نمودند و از ستم‏گری باز نمی‏ایستادند،و به پشت‏گرمی دشمنان همشهریان خود را لگدمال‏ می‏کردند...یک دسته پست نهاد به همین دستاویز[تحت تابعیت‏]چه‏ چیرگی می‏نموده‏اند و چه‏گونه گردن می‏کشیده‏اند و چه‏گونه درفش‏ روس را بالای خانه خود می‏افراشته‏اند،و چه‏گونه به کلمه‏ی زشت اف‏ در آخر نام خود می‏بالیده‏اند....»17

5-علاوه بر تجار و مالکان عمده صاحبان برخی مشاغل دیگر نیز جهت سوءاستفاده از قدرت اجنبی،بهره‏کشی از مردم و مصونیت از مجازات ورقه‏ی تابعیت دریافت می‏کردند.یکی از افراد شاخص و شاهد مثال‏های معروف در این مورد عسگر گاریچی‏ست که در زمان‏ ناصر الدین شاه مقاطع کاری حمل مسافر بین تهران و قم را برعهده‏ گرفته بود.او با پشت‏گرمی تابعیت اجنبی نهایت گستاخی و آزار را نسبت به مسافرین روا می‏داشت؛تا آن‏جا که دستور داده بود پای اسبان‏ درشکه‏های شخصی مردم را با میخ‏های آهنین شل و فلج نمایند؛و یا خودسرانه و بی‏اعتنا به مسئولان شهر و حکومت از قنات شاه تهران به‏ خانه و منزل مسکونی خود آب برد.ستم و گستاخی او بدان‏جا انجامید که در آغاز جنبش و حرکت مشروطه‏خواهی یکی از خواست‏های مردم‏ در کنار تحصیل آزادی،تجدید استبداد و ایجاد عدالت‏خانه عزل عسگر گاریچی از مقاطع کاری بین راه قم و تهران بود.18

نتیجه

تحمیل کاپیتولاسیون در عرصه‏های مختلف سیاسی،اجتماعی، اقتصادی،فرهنگی،اخلاقی و قضایی نتایج زیان‏باری برای جامعه‏ی‏ ایرانی در پی‏داشت.از آن میان پی‏آمدهای منفی قضایی را می‏توان در خور تأمل و اهمیت ویژه قلمداد کرد.کارگزاران استعماری به‏ شویه‏های گوناگون همانند جهت‏دهی زورمدارانه محاکمات مطابق‏ مصالح و منافع اتباع خود،بی‏توجهی کامل به قوانین و قواعد عرفی و شرعی جاری و درون مملکتی،آزار،اذیت و ایجاد ارعاب در میان‏ شهروندان ایرانی،حذف مخالفان به انحاء مختلف و در مجموع نقض‏حاکمیت و استقلال قضایی،سالیان موجبات آشفتگی و عدم توسعه‏ی‏ قضایی را در ایران فراهم ساختند.فرصت‏طلبان و مجرمان داخلی نیز با نظر داشت ضعف و حقارت حاکمیت،جایگاه قدرتمند اجانب و به‏ منظور مصون ماندن از هرگونه مخاطره‏ی جانی مالی و نیز مصونیت‏ از مجازات جرم‏های ارتکابی خود را تحت‏الحمایه‏ی دارندگان حق‏ قضاوت کنسولی قرار داده و به سهم خود براین آشفتگی و فضای‏ تحقیرآمیز و ایجاد شده دامن زدند.

پی‏نوشت‏ها

(1)-برای مطالعه‏ی تاریخچه‏ی کامل و جامع کاپیتولاسیون ر.ک.سید حسن امین، «کاپیتولاسیون از آغاز تا سقوط پهلوی»،ماهنامه‏ی حافظ،شماره‏ی 3،(خرداد 1383)،صص 36 و 46.احمد متین دفتری،«تازه‏های قضایی و دادگستری»، مجله‏ی حقوقی وزارت دادگستری،شماره 3،(1338 خورشیدی)،ص 67.

(2)-میرزا محمد،تقی سپهر،ناسخ التواریخ(تاریخ قاجاریه)،چ 2،تصحیح‏ محمد باقر بهبودی،انتشارات کتاب‏فروشی اسلامیه،تهران،

(3)-همان‏جا،ص 11.

(4)-مخبر السلطنه هدایت،خاطرات و خطرات،کتاب‏فروشی زوّار،(تهران،1363 خورشیدی)،صص 288-287.

(5)-میرزا محمد تقی سپهر،همان‏جا،ج 4،ص 117.و نیز ر.ک به:محمد جعفر خورموجی،حقایق الاخبار ناصری،نشر نی،(تهران،1363 خورشیدی)،ص 151- 152-216-217.

(6)-محمد محیط طباطبایی،دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای‏ مشروطیت،ضمیمه‏ی مجله وحید،تهران،(1347 خورشیدی)،ص 47.

(7)-ایرج سعید وزیری،بررسی تحلیلی کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران،دفتر حقوقی‏ و وزارت امور خارجه،تهران،1355 خورشیدی،ص 17-16،کاپیتولاسیون،تهران‏ وزارت دادگستری،شماره‏ی مخصوص هفته‏ی دادگستری،(اردیبهشت 1355 خورشیدی)،ص 16.)

(8)-فرج الله ناصری،بررسی تحلیل کاپیتولاسیون و الغای آن،تهران وزارت‏ دادگستری،شماره‏ی مخصوص هفته‏ی دادگستری،(اردیبهشت 1355 خورشیدی)،ص 16.

(9)-ادوارد براون،نامه‏هایی از تبریز،ترجمه‏ی حسن داودی،شرکت سهامی‏ انتشارات خوارزمی،(تهران،1361 خورشیدی)،ص 52.

(10)-محمود افشار یزدی،«مسئله‏ی کاپتولاسیون»،مجله‏ی آینده،شماره‏ی 15، (تیرماه 1306 خورشیدی)،ص 217-216.

(11)-فریدون آدمیت،امیر کبیر و ایران،شرکت سهامی انتشارات خوارزمی،(تهران، 1361 خورشیدی)،ص 543-542.

(12)-عبد الله مستوفی،شرح زندگانی من،ج 2،انتشارات زوار،(تهران،1337 خورشیدی)،ص 28-27.

(13)-ر.ک به:احمد کسروی:تاریخ هجده ساله‏ی آذربایجان،انتشارات مجید، (تهران،1379 خورشیدی)،ص 518،هانری رنه دالمانی،از خراسان تا بختیاری، ترجمه‏ی فره‏وشی،به سرمایه‏ی کتاب‏فروشی ابن‏سینا و مؤسسه‏ی مطبوعاتی‏ امیر کبیر،(تهران،1355 خورشیدی)،ص 37.

(14)-فصلنامه‏ی ایران،چاپ لندن،شماره‏ی 9،(1379 خورشیدی)،ص 8.

(15)-میرزا مهدی خان ممتحن الدوله،خاطرات،به کوشش حسین علی خانشقاقی، نشر فرهنگ،تهران 1362 خورشیدی،ص 224-223.

(16)-عبد الله مستوفی،همان‏جا،ص 311.

(17)-احمد کسروی،همان‏جا،صص 518-517.

(18)-ر.ک به:احمد کسوری،تارخی مشروطه‏ی ایران،ج 1،مؤسسه انتشاراتی‏ امیر کبیر،(تهران،1363 خورشیدی)،ص 67.

مهدی ملک‏زاده،تاریخ انقلاب مشروطیت ایران،کتاب دوم،انتشارات علمی، تهران،1371 خورشیدی،ص،یحیی دولت‏آبادی،حیات یحیی،ج 2،انتشارات‏ عطار،(تهران،1371)،ص 7.